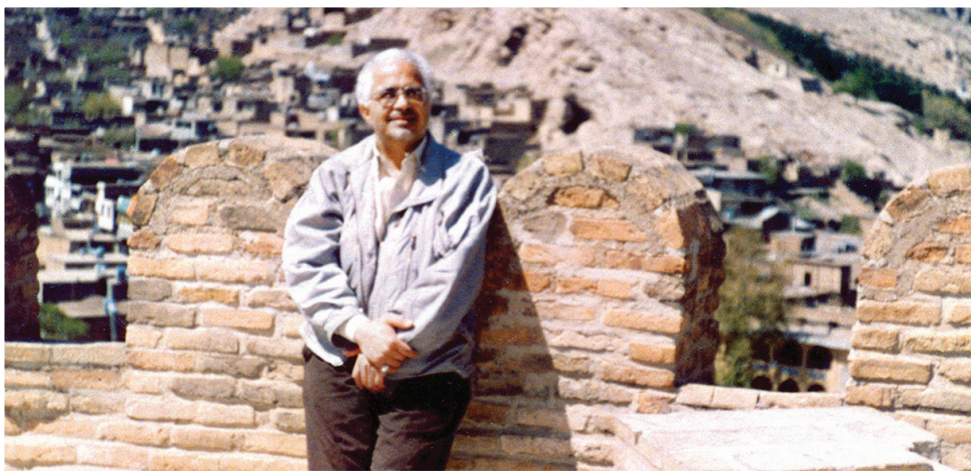


چند روایت مدیریتی از مرحوم دکتر احمدی خالدي؛ معاون اسبق اقتصادی دبیر شورای امنیت ملی

## دروغ گفته؛ برش دار!



شناسایی نداشت، نوشت و باده تا اعلامیه دست نویس، دانشگاه را تعطیل کردیم. بچه های سازمان مانند از کجا خورده اند. تا بیایند خودشان را پیدا کنند، دانشگاه با اعلامیه گروه ساختگی «توحیدی» تعطیل شد.

### دروغ گفته، برش دار!

عباس علی غیاثی: یک بار مدیر کلی خلاقی مرتکب شده بود. دکتر به من زنگ زد و گفت: «خبر داری فلان مدیرکل این کار رو کرده؟ می گه از تو اجازه گرفته.» من کمی فکر کردم. گفتم: «من از تو اجازه گرفتم؟» گفت: «یعنی چی؟» گفتم: «این مسئله ای نیست که من بدون اذن تو بکنم. حتماً می بایست به تو گفته باشم. من الان یادم نیست. اگر به تو گفتم، حتماً از من اجازه گرفته. اگر به تو نگفتم، حتماً دروغ می گه.» او هم از «دروغ» خیلی بدش می آمد. فقط یک دروغ که می گفتند برخورد می کرد. آن مدیرکل زنگ زد و گفت: «فلانی، چنین مطلبی رو آقای دکتر از من پرسیده. من این کار رو کردم. ظاهراً دکتر متوجه شده. از من پرسید. من گفتم از آقای غیاثی اجازه گرفتم.» گفتم: «تو خیلی بیجا کردی گفتی؛ چون من الان با دکتر صحبت کردم. گفتم تو از من اجازه نگرفتی.» - اقلماً می گفتم اجازه گرفتم. - نمی توانستم دروغ بگویم. اگه دکتر می فهمید دروغ گفتم،



### باده تا اعلامیه دست نویس، دانشگاه را تعطیل کردیم

میرزا علی آیت اللهی: بعضی از بچه های مجاهدین خلق ما را سر کار می گذاشتند. یک بار گفتند: «می خوایم دانشگاه رو فلان تاریخ تعطیل کنیم. وقتشه که دانشگاه تکنونی بخوره. سه تا تاریخ بهت می دیم. برو با تیم بچه های مسجد هماهنگ کن. یکی رو انتخاب کنین.» من هم رفتم و با گروه های مختلف رایزنی کردم. فکر کردیم این ها دروغ می گویند و ما سرکاریم و تاریخ دیگری مدنظرشان است و آن را دقایق آخر درمی آورند. ما هم برای اینکه رعب نخوریم، دورترین تاریخ آن ها را گرفتیم و گفتیم فلان روز. زحمت عمدۀ همه فعالیت های اجرایی این برنامه افتاد دوش احمد. دو روز قبل از تاریخ اعلام شده، اعلامیه تعطیلی دانشگاه را با دست خط کج و معوجی که امکان

محمد علی زمانیان

نویسنده کتاب

”

این نتایج به خاطر وجود شخص آقای خالدي به دست آمد. جدی پای کار ایستاد و نگذاشت تصمیمات در چرخه معیوب مسئولیت گریزی و بی نتیجهگی بیفتد